



اگر روحانیون نبودند ما الآن از اسلام اطلاعی نداشتیم  
امام خمینی

من . وزیر عرض رسانید که : بخش  
قسم من چیزی جز آنچه  
امیرالمؤمنین در باره شما فرمود  
بودن گفتم .  
و اما وجه لقب دادن سید  
مرتضی به "ابوالثمانین" :  
نوشتند که در کتابخانه سید  
هشتاد هزار کتاب بود ، و هشتاد  
کتاب نیز تألیف و تصنیف خود  
بود و هشتاد و یک سال هم عمر کرد  
و لادتش در ماه رجب سال ۲۵۵  
هجری قمری در بغداد بوده است  
دانشمندان اهل سنت او را  
مجدد مذهب جعفری درواص  
قرن چهارم هجری شمرده اند

مقام علمی و عطی سید مرتضی .

شاید یکی از بزرگترین  
افتخارات شیعیان اینست که  
تمام فرق و مذاهب مسلمین و غیر  
مسلمین در مقابل شخصیت علمی  
علمای شیعه سر تعظیم فرود آورده  
و در وصف آنان اظهار عجز  
نموده اند . ما را بسی افتخار است  
که بزرگانمان زبانزد خاص و عام  
بوده و مورد احترام و تقدیر بیش از  
حد دانشمندان مسلمین و غیر  
مسلمانان بوده اند .  
در اینجا نکته ای بنظر رسید که  
باید ذکر کنیم : درست است که

محمد بن حسین وزیر قادر  
عباسی بود . او در سال ۲۲۰ بیمار  
شده و بیماری او بطول انجامید ، تا  
اینکه حضرت امیرالمؤمنین (ع)  
را در خواب دید که به او می فرماید :  
بد علم الهدی بگو برای تود عائی  
بخواند تا اینکه شفایابی . محمد  
وزیر می گوید که فرات حضرت پرسیدم  
علم الهدی کیست ؟ فرمود علی  
بن الحسین الموسوی . وزیر از  
خواب بیدار شد ، فوراً نامه ای به  
سید مرتضی نوشت و در آن نامه  
او را با این لقب معرفی کرد .  
سید در جواب وزیر چنین نوشت :  
"اللّٰهُ اللّٰهُ فِیْ اَمْرِیْ ، يَا نَبَّیَّ  
"قَبُولِیْ فِیْ هَذَا اللِّقَبِ"  
"بِنِائِعَةِ عَلِیِّ"  
وای بر من اگر این لقب را برای  
خود بپذیرم ، چه من این قابلیت  
را در خود نمی بینم ، و قبول کردن  
من این لقب رانگ است برای

★ حوزه های علمیه اسلامی و بخصوص شیعی بعنوان بزرگترین پایگاه اسلامی در طول تاریخ اسلام ، مهمترین مهد پرورش "پاسداران اسلام" بوده و خواهد بود . اگر امام خمینی می فرماید که : "اگر روحانیون نبودند ما الآن از اسلام اطلاعی نداشتیم" ، از عمق یک واقعیت خبر می دهند ، و بهترین دلیل بر وجود چنین امری ، ارائه تاریخ زندگی و شرح حال علمای بزرگ حوزه های ما باشد که ضمناً تحلیلی نیز از تحول و تطور علمی و چگونگی حفظ و گسترش علوم اسلامی را در بر دارد . این "احوال" نگاری گذشته از نشان دادن یک کمیت سی نظیر در کاوش علمی زوایای یک مکتب خاص بنام اسلام جنبه سازندگی روحی نیرومندی هم دارد که ناشی از تجسم مکتب در فرد مورد نظری باشد . امیدواریم که مورد توجه خوانندگان قرار بگیرد :

را علی گذاشت و لقبش مرتضی ، که  
به "سید مرتضی" معروف بود ، و  
بعدها به القابی چون "علم الهدی"  
و "ذوالمجدین" "ابوالثمانین"  
نیز ملقب گشت .  
در باره لقب دادن او به  
علم الهدی داستانهای مختلفی  
نقل نموده اند ، و مشهورترین آنها  
داستانی است که شهید اول در  
کتاب "اربعین ذکر نموده است :

سید مرتضی کیست ؟

علی بن الحسین موسوی ،  
پدرش شریف ابو احمد حسین ،  
نقیب طالبان در بغداد و فرزند  
موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم  
بن موسی الکاظم صلوات الله علیه ،  
بنابر این جد ششم سید مرتضی امام  
هفتم (ع) است . پدر نام فرزندش

بزرگان ما مایه افتخار و سربلندی ما هستند، ولی باید آنان نیز به وجود پیروان خود افتخار کنند، باید مادر عمل و در تحصیل علم بکوشیم راه آنان را رفته و رهنمودهای علمی و اخلاقی آنان را در زندگی مدنظر خود قرار داده، تا اینکه ما هم مورد سباهات و افتخار آنان باشیم. می‌گویند پدر سید مرتضی روزی از او سؤال کرد: میل داری به چه مقامی برسی؟ سید مرتضی که کودکی بود در جواب پدر گفت: من می‌خواهم بدرجه و مقام شما برسم. پدر در جوابش گفت: اگر همت همین مقدار است بجائی نمی‌رسی. تو باید کوشش کنی که همچنان جدت امیرالمؤمنین بشوی، در آن صورت به مقام بلندی خواهی رسید.

آری، انسان باید از نعمت‌ها و امکاناتی که خدای بزرگ برای او فراهم آورده بیشترین استفاده را بکند، و در پی تحصیل علم و دانش باشد که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: زکوهاره تا گور دانش بجوی. و علی (ع) می‌فرماید: "أَتَرَعَمَ أَنْتَ جَزْمَ صَغِيرٍ وَبَيْتِكَ انْطَوَى لِعَالَمٍ الْأَكْبَرِ" آبی پنداری که مخلوق کوچک و بی‌ارزشی هستی، در حالی که در وجود تو دنیای بزرگ نهفته است. برادران، خواهران، از زندگی زودگذر خود بهترین استفاده را بکنید، و اوقات گرانبهارا بیهوده صرف نکنید و همچون پاسداران بزرگ اسلام، از اسلام عزیز پاسداری کنید تا اینکه در دنیا و آخرت سرفراز باشید.

امیرالمؤمنین، سید مرتضی را علم‌الهدی لقب می‌دهد، و در ۲۷ سالگی این عالم بزرگوار مرجع فقهی و کلامی شمرده می‌شود، و از آن پس علمای طوائف مختلف مسلمین از کشورهای مختلف بوسیله نامه‌ها به او رجوع می‌کنند.

### سید مرتضی را میتوان

به يك كتابخانه ای كه

جامع علوم و معارف

گوناگون می باشد،

تشبیه كرد.

مگر می‌توان در مقام علمی و ادبی او بحث کرد. بی‌شک او یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین دانشمندان شیعه محسوب می‌شود چنانکه از تألیفات بسیار او در علوم مختلف بدست می‌آید. سید مرتضی در کلام، فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، هیئت، ادبیات (نحو، صرف، لغت، معانی، شعر، محسنات لفظی) یگانه عصر خود بود. او زعیم علمی و رئیس امامیه و دانشمند فرزانه زمان خود بود. علامه حلی درباره‌اش چنین می‌گوید: شیعیان از کتابهایش تا این زمان (که سال ۶۹۳ هجری است) استفاده کرده‌اند. او رکن تشیع و استاد بزرگ این طایفه است. خداوند جزای خیرش دهد.

پیش از آنکه سید مرتضی به زعامت و رهبری شیعیان برسد، سئوالات زیادی از او می‌شد که گاهی براساس اخذ رأی و گاهی برای امتحان و اختبار سید مطرح می‌شد، و در مقام جواب هیچوقت عاجز نشده و بی‌درنگ به سئوالات علمی و ادبی پاسخ می‌داد، و این پاسخها را گاهی خود سید، و گاهی شاگردان وی برشته، تحریر در می‌آوردند، که این پاسخها جز کتب سید محسوب می‌شود مانند: "المسائل الموصليه، المسائل الطرابلسيه، مسائل اهل مصر، المسائل الجرجانیه، المسائل الدیلمیه و مسائل دیگر.

خلاصه، سید مرتضی را می‌توان به یک کتابخانه‌ای که جامع علوم و معارف گوناگون می‌باشد، و یاب به یک دانشگاهی که از دانشکده‌های علمی بسیار تشکیل شده، و یاب به یک باغ بهناروری که پرورشگاه انواع درختان باغ و گل‌های خوشبوی رنگارنگ است، تشبیه کرد. آری، او در حالی که دریای بی‌کرانی بود از فقه و اصول و تفسیر و کلام و دیگر معارف قرآنی و اسلامی، در بلاغت و فصاحت و ادبیات عرب آنچنان مهارتی داشت که از سخنان روزمره‌اش شعری بارید، و از نوشته‌هایش هنرهای ادبی و محسنات لفظی، ولی کوشش خود را همواره به فقه و کلام اختصاص می‌داد، و به ادبیات نیز عنایت خاصی مبذول می‌داشت. نوشته‌اند که سید مرتضی مجالس ادبی و انجمنهای نقد شعر داشت. کتاب "الغرر والدرر" معروف به امالی سید مرتضی از بهترین کتابهای ادبی اسلام است، و دیوان شعر

سیدیه چند جلد می‌رسد. نوشته‌اند شیخ مفید (استاد سید مرتضی) گاهی در مجلس درس سید حاضر می‌شد و با اینکه سید می‌خواست استاد خود را بجای خود بنشانند، ولی استاد نمی‌پذیرفت و از سید می‌خواست که درس را ادامه دهد و از سخنانش لذت می‌برد، و برای اینکه از مقام علمی او تجلیل کند با اینکه خود رهبر شیعیان بود، همچون شاگرد در محضر او می‌نشست. در کتاب شافی نوشته است: سید مرتضی کتابی را که تألیف می‌کرد، هنوز پایان نیافته بود که بین مردم منتشر می‌شد، بطوری که گاه از دست او خارج شده و دیگر نمی‌توانست در آن تجدید نظر کند. اینقدر سید مرتضی به علم و طلاب علوم علاقه داشت که برای شاگردانش شهریه ای تعیین کرده بود، و ماهیانه به آنها پول می‌پرداخت، و شاید ایسان اولین کسی باشد که برای طلاب حوزه علمیه حقوق تعیین نموده. مجلس درس بسیار باشکوه و عظمت بود چراکه او بر علوم مختلف تسلط داشت و آنها را تدریس می‌نمود. شیخ بهائی در "کنکول" نوشته است: در یکی از سالهای زمان سید، قحطی شدیدی منطقه را فرا گرفته بود. یک نفر یهودی که می‌خواست خود را از مرگ نجات دهد، به مجلس سید آمد و از او درخواست نمود که در علم نجوم برای او درس بگوید. سید برای او درسی بنا گذاشت و روزانه به او حقوقی می‌داد. اخلاقی و رفتار سید چنان آن یهودی را مجذوب خود کرد که بالاخره پس از چند پاسدار اسلام ۵۹/

ماه، بشف اسلام مشرف شد. این خلکان در تاریخ خود به نقل از این بسام دانشمند بزرگ اهل تسنن می گوید: شریف (سید مرتضی) امام ائمه عراق در اختلاف و اتحاد بود. علماء بسوی او شتافتند و دانشمندان از محضرش استفاده کردند. اخبار او منتشر و اشعارش مشهور و فضائلش بسیار است. در دین و احکام مسلمین تألیفات و تصنیفات فراوان دارد.

**تألیفات سید مرتضی:**

برای سید مرتضی حدود هشتاد جلد کتاب علمی و ادبی ذکر کرده اند که به برخی از آنان اشاره می کنیم:

**در فقه و اصول:**

۱- "الإختصار": مشتمل بر بیش از ۳۱۹ مسئله فقهی است و تاکنون دوبار در ایران چاپ شده است. این کتاب از قدیمی ترین کتب فقهی شیعه است که متعرض مسائل خلافی شده و فقه شیعه را بر اساسی محکم بنا نهاده است.

۲- "الذریعة إلى أصول الشیعة" با اینکه بعضی از علمای قبل از سید همچون ابن جنید و شیخ مفید در اصول و فقه تألیفاتی دارند، ولی بسیار مختصر است، و اولین کسی که اصول فقه را بطور تفصیل نوشته، از علمای شیعه سید مرتضی است، که گذشته از اینکه در این کتاب راجع به ابواب مختلف اصول (خطاب، امرونی، عموم و خصوص، مطلق و مفید، مجمل و مبین، نسخ، اخبار، افعال، اجماع، قیاس، حظ و اباحه) بحث می کند آراء دانشمندان عامه را نقل کرده

و با دلیل و برهان تقدیمی کند. شیخ طوسی که استاد بزرگ فقه و اصول است، در کتاب عدّه الاصول خود که یکی از مهمترین منابع اصول شیعه است، نظرات و استدلالات سید را ذکر کرده و در بعضی از موارد مطالب سید را عیناً اقتباس کرده و خود به این معنی اعتراف می کند.

- ۳- شرح مسائل الخلاف فی اصول الفقه.
- ۴- المصباح فی الفقه.
- ۵- المختصر فی الأصول.
- ۶- الثائریات: مشتمل بر ۲۰۷ مسئله فقهی است.
- ۷- مسائل اصول الفقه.
- ۸- مسائل الإنفادات فی الفقه.

- ۹- المسائل الریسیة الأولى.
- ۱۰- جمل لعلیم و العمل.

**در تفسیر و علوم قرآن:**

- ۱- کتاب الصرفة: در اعجاز قرآن.
- ۲- المحکم و المتشابه: در این کتاب از نسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عامی که از آن اراده خاص شده، تحریف در قراءات، فرق بین رخصت و عزیمت و مطالب دیگر بحث شده است.
- ۳- تفسیر سوره حمد و بعضی از سوره بقره.
- ۴- تفسیر آیه "قُلْ تَعَالَوْا اتْلُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ"
- ۵- الموضح عن جهة اعجاز القرآن.
- ۶- رسالهای در تحقیق معانی "ولقد کرمنا بنی آدم"

**در علم کلام:**

- ۱- انقاذ البتر من الجبر و القدر مسئله قضا و قدر را بررسی کرده، و

در بحث خود با آیات قرآن کریم استدلال نموده است.

- ۲- تنزیه الانبیاء و الأئمة: مهمترین بحث این کتاب درباره عصمت انبیا و ائمه، و اینکه آنان مرتکب هیچ گناه کبیره و صغیره ای نمی شوند می باشد. این کتاب در ۱۸۹ صفحه است.

- ۳- احکام أهل الآخرة: رساله مختصری است در آراء متکلمین در مسئله آخرت.
- ۴- المسائل الثمینیات.
- ۵- تقریب الأصول فی الرد علی یحیی بن عدی.

**در اعتقادات و جهان بینی اسلامی:**

- ۱- الشافی فی الإمامة: ۳۰۰ صفحه در دو جلد. بحثی مفصل درباره امامت و سیاست رهبری اسلامی. در این کتاب فرق بین زبده و امامیه در امامت، و فرق بین معتزله و امامیه، و تکذیب اتهامات بر شیعه در باب اعتقاد به زیادتی علم امام بر پیغمبر، و رأی امامیه در بداه، و فرق بین اجماع نزد امامیه و دیگران، و عدم وجوب علم امام به بواطنی که آگاهی بر آن واجب نیست، و مطالب دیگر.
- ۲- الأصول الاعتقادیة: درباره صفات خدا، نبوت، امامت، بعث، وعد و وعید، شفاعت، عذاب قبر، فنا، عالم، میزان، صراط، بهشت و جهنم.
- ۳- المقنع فی الغیبة: بحثی مفصل در غیبت امام زمان عجل...

**فرجالشرف**

- ۴- الملخص فی أصول الدین: رسالهای مختصر در اصول دین اسلام.

**در ادبیات:**

۱- غرر القوائد و ذرر القوائد یا آمالی المرتضی: در دو جلد بیش از ۱۲۰ صفحه در بسوی به چاپ رسیده است. مشتمل بر مطالب ادبی و علمی بسیار جالب و ارزنده که سید مرتضی در مجالس ادبی خویش بر شاگردانش املا کرده است.

۲- دیوان المرتضی: شمس محمد سماوی اشعار سید مرتضی در ۶ جلد جمع آوری کرده و آن را "آدب المرتضی" نامیده است. شیخ حسن جواهری نیز اشعار سید را در سه مجلد جمع آوری کرده و به چاپ رسانیده است. افراد دیگری نیز اشعار آن بزرگوار را تحت نام دیوان السید المرتضی جمع آوری کرده اند.

- ۳- شرح قصیده السید الحمیری: قصیده باثیه حمیری در مدح و منقبت حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که سید مرتضی آن را شرح نموده است.
- ۴- الثهاب فی الشیب و الثباب
- ۵- طیف الخیال.

**وفات سید مرتضی:**

پس از ۸۱ سال که از عمر کرانیهایش در خدمت بی شائبه به اسلام و مسلمین گذشت بالاخر در ۲۵ ماه ربیع الاول از سال ۴۲۶ هجری قمری زندگی جاویدان خود را در جوار حضرت حق تعالی آغاز نمود. خداوند بر درجات عالیهاش بیفزاید و ما را در پیروی از راهش و استفاده از آثار علمی بی شمارش هدایت فرماید.

